

یکصدمین سال تولد
صادق هدایت در ایران و جهان

به کوشش:
جهانگیر هدایت

تهران - ۱۳۸۴

هدایت، جهانگیر
یکصدمین سال تولد صادق هدایت / به کوشش جهانگیر هدایت. -
تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۳.
۲۳۱ ص.؛ مصور.

ISBN 964-6718-15-9

فهرستویس براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. هدایت - صادق، ۱۲۸۱-۱۳۳۰ - سرگذشتنامه. ۲. هدایت،
صادق، ۱۲۸۱-۱۳۳۰ - نقد و تفسیر. الف. عنوان.
۸ ۱۳۳/۲۲
PIRAT ۸/۸ هـ
هدیس/۴۴۷ هـ

۱۳۸۳

۹۵-۲۴-۸۳م

کتابخانه ملی ایران



فشر دنیای دانش

یکصدمین سال تولد هدایت در ایران و جهان

به کوشش : جهانگیر هدایت

چاپ اول : زمستان ۱۳۸۵

شمارگان : ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی : آرش

چاپ : چاپخانه سعدی

شابک : ۹۶۴-۶۱۱۸-۱۵-۹

کلیه حقوق چاپ و انتشار محفوظ است.

فهرست

۳	فهرست
۹	درباره نویسنده
۱۱	اشاره
۱۷	سرگذشت
۱۹	نخستین قدم
۲۰	نمایشگاه عکس در گالری سیحون
۲۳	سایت سخن
۲۵	مسابقه داستان نویسی صادق هدایت
۳۲	همایش نقد و بررسی آثار و اندیشه های هدایت
۴۷	سالنمای ۱۳۸۱
۴۹	سی و شش روز با صادق هدایت
۵۲	از مرز انزوا
۵۵	نمایشگاه بین المللی کتاب
۵۸	انیمیشن «سه قطره خون»
۶۰	همایش پاتوق فرهنگی تهران
۶۱	زندگی و مرگ در آثار صادق هدایت

۷۸	میز تحریر صادق هدایت
۱۳۴	خانه پدری صادق هدایت
۱۳۶	دفتر صادق هدایت
۱۳۸	موزه رضا عباسی
۱۴۳	نمایشگاه لوازم شخصی هدایت (موزه رضا عباسی)
۱۴۹	خوش نویسی بوف کور
۱۵۱	محسن برغندان از بوشهر
۱۵۲	نقد بوف کور صادق هدایت - فرهنگ سرای انقلاب
۱۶۱	نمایشگاه کتاب و پوستر صادق هدایت
۱۶۵	کتاب خیام صادق
۱۶۷	«سه قطره خون» نقدها و نظرها - ترجمه
۱۶۹	آلبوم نقاشی‌های صادق هدایت
۱۷۰	سانسور آلبوم نقاشی‌ها
۱۷۱	نمایشگاه تاپوگرافی بوف کور
۱۷۲	نمایشگاه عکس صادق هدایت در برازجان
۱۷۴	صد سالگی صادق هدایت در اروپا و آمریکا
۱۷۷	بزرگداشت هدایت در دانشگاه پورتلند آمریکا
۱۸۱	یادبود صدمین سالگرد تولد هدایت در فرانسه
۱۸۲	برنامه در ایران
	بزرگداشت صد سالگی صادق هدایت در خانه هنرمندان ایران
۱۸۶	
۲۰۵	همایش صدسالگی هدایت در دانشگاه شهید رجائی
۲۱۴	دعوت دانشگاه شهرکرد

دعوت دانشگاه آکسفورد	۲۱۵
مصاحبه با بی بی سی	۲۳۹
حضور در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۸۲	۲۴۱
مسابقه طراحی جلد کتاب	۲۴۲
همایش خیام در دانشگاه امیرکبیر	۲۴۳
همایش خیام - دانشگاه صنعتی امیرکبیر	۲۴۵
ناکامی جوان‌های دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی	۲۴۶
پوزش خواجه نصیرالدین از صادق هدایت	۲۴۹
عینک شکسته صادق هدایت	۲۵۱
همایش بزرگ داشت صادق هدایت	۲۵۳



درباره نویسنده

جهانگیر هدایت برادرزاده صادق هدایت، دانش آموخته زبان و ادبیات انگلیسی از دانشگاه تهران، فوق لیسانس بهداشت عمومی از دانشگاه آمریکائی بیروت، فوق لیسانس جامعه‌شناسی از دانشگاه تهران و دوره تخصصی مدیریت از دانشگاه ساسکس انگلستان است.

حاصل سال‌ها حضور او در صحنه هنر و ادب کشور دو مجموعه داستان «شلاق هوس» و «مرغابی، عشق و ابدیت» می‌باشد به همراه تعداد قابل ملاحظه‌ای داستان‌های کوتاه و مقالات اجتماعی، سیاسی، طنز و انتقادی که در جراید و مجلات داخل و خارج از کشور به چاپ رسیده است.

در حوزه تخصصی خود نیز کتاب «آموزش مکالمات عالی انگلیسی» را منتشر کرده است.

در رابطه با صادق هدایت تاکنون کتب «انسان و حیوان» و «فرهنگ عامیانه مردم ایران» و آلبوم‌های نفیس «نگاهی، حسرتی و آهی»

(عکس‌های صادق هدایت) و «از مرز انزوا» (کارت پستال‌های صادق هدایت) و «سه قطره خون» و «خیام صادق» و «آلبوم نقاشی «آهوی تنها» و «۳۶ روز با صادق هدایت» و «نیمه پنهان سرگذشت صادق هدایت» و «یاد هدایت ۸۱» را منتشر ساخته است.

جهانگیر هدایت نگه‌دارنده بسیاری از اسناد و مدارک، کتب و دیگر یادگارهای بازمانده از صادق هدایت است که بخشی از آن‌ها را در سال‌های اخیر منتشر نموده و کتاب حاضر آخرین حلقه این زنجیر تا امروز می‌باشد.

جهانگیر هدایت سهم بزرگی در بازشناساندن صادق هدایت به علاقه‌مندان این نویسنده بزرگ معاصر در سال‌های اخیر داشته است.

ناشر

اشاره

حدود سه سال قبل بود. فکر می‌کردم برای یکصدمین سالگرد تولد صادق هدایت چه باید کرد؟ چون اصولاً خوش بین هستم شال و کلاه کردم و رفتم به دفتر نمایندگی یونسکو در ایران. این دفتر در یکی از ساختمان‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خیابان انقلاب چهارراه فلسطین قرار داشت. البته قبلاً تلفن کردم، قرار مدار گذاشتم و رفتم خدمت خانمی که متصدی این گونه امور بود. من مطرح کردم که سه سال دیگر مصادف است با یکصدمین سالگرد معروف‌ترین داستان نویس معاصر، خالق بوف کور و... و در این راستا پیشنهاد می‌کنم با دفتر مدیر کل یونسکو در پاریس مکاتبه و برنامه‌ای ترتیب داده شود. خیلی صریح به من گفته شد این برنامه تمام درید وزارت ارشاد است و ما راساً هیچ کاری نمی‌توانیم انجام بدهیم و در این مورد موافقت وزیر الزامی است. در واقع سنگی انداخته بودند و من باید خیلی می‌دویدم تا به جایی می‌رسیدم. با تجارب تلخی که در مراجعات مکرر به وزارت ارشاد داشتم دیدم بهتر است دستگاه دیوانی پیچ در پیچ را به حال خود بگذارم و فکر کنم با همکاری نویسندگان، شعرا، ناشران، هنرمندان، دانشمندان، دانشجویان و

جوانان علاقه‌مند چه می‌توان کرد. در این زمینه ضمن برخوردها و ملاقات‌ها با این گونه بزرگان موضوع رامطرح می‌کردم. البته اولین حرکتی که ایجاد شد چاپ و انتشار آلبوم نفیس عکس‌های صادق هدایت «حسرتی، نگاهی و آهی» بود که توسط نشر و گرافیک دید در اسفند ماه ۱۳۷۹ انتشار یافت و به مناسبت نود و هشتمین سال تولد هدایت نام‌گذاری شد. البته در مقالاتی که در جراید و مجلات از نگارنده به چاپ می‌رسید و یا مصاحبه‌هایی که انجام می‌شد به این مهم اشاره می‌کردم و احساس می‌کردم که به تدریج موضوع یکصدمین سالگرد تولد صادق هدایت در محافل ادبی و هنری و در میان جوانان و دانشجویان هر چه بیشتر مطرح می‌شود و این سؤال تکرار می‌شد که شما چه برنامه‌ای دارید؟ حقیقت آن بود که هنوز برنامه معینی نداشتیم. درباره چاپ چند کتاب، یک همایش و حرکاتی از این قبیل می‌اندیشیدم اما هنوز برنامه قاطع و معینی را جلوی روی خود نداشتیم. اولین حرکت در مهرماه ۱۳۸۰ تحت عنوان یکصدمین سالگرد پدید آمد و آن برگزاری نمایشگاه عکس‌های صادق هدایت در گالری سیحون بود. پس از آن برنامه‌های دیگری، گاه بدون آن‌که نگارنده اطلاع دقیقی داشته باشد و یا با اطلاع و هم‌فکری و یا بامشارکت نگارنده، اجرا شد.

این گفتنی است که مسئولین فرهنگی کشور در سکوتی مطلق گرفتار آمده بودند. گوئی هرگز صادق هدایتی نبوده، اصولاً به دنیا نیامده که تولد و بعد یکصدمین سالگرد تولد داشته باشد و به این ترتیب این مسئولین به یک کرشمه سه کار کردند: نخست وظیفه خود را انجام دادند، دوم آن‌که به دنیا فهماندند وقتی یک نفر را دوست

نداریم اگر معروف‌ترین و مطرح‌ترین داستان نویس معاصر ایران در سطح بین‌المللی هم باشد رنگ فرهنگی خود را می‌بازد و برای او هیچ حرکتی از جانب مسئولین مملکت اعمال نمی‌شود. و بالاخره سوم آن که بی‌جهت برای خودمان دردسر نمی‌سازیم که یکی پیدا شود ایراد بگیرد، یکی شکایت کند و قس علیهذا.....

و مردم، مردم آگاه، بسیار سریع متوجه این بی‌توجهی عمدی و غیرفرهنگی شدند و موجی از برنامه‌ها و مقاله‌ها و مصاحبه و ارتباط و آمدوشدها برخاست. از آن جایی که به دلایلی چند و مهم‌ترین به عنوان آخرین بازمانده صادق هدایت، نگارنده در مسیر همه حرکت‌ها قرار گرفتم تقریباً هرآنچه گفته شد و شنیده شد و برنامه‌ریزی شد و اجراء شد، با اطلاع، مشاوره، نظرخواهی و مشارکت نگارنده بود و در نتیجه یک نقطه تمرکز اطلاعات و اقدامات حاصل شد که همه متوجه آن شده و ابعاد مراجعه و مکاتبه با این نقطه هرچه زمان جلوتر می‌رفت فشرده‌تر می‌شد.

برای پاسخ‌گویی به این همه تقاضا و سؤال و غیره در خانه مسکونی خود محل مستقلى را به این کار اختصاص دادم و با راه‌اندازی یک سیستم کامپیوتر و جلب همکاری یک منشی و دیگر لوازم و وسائلی که مورد نیاز بود، به انجام کلیه کارهایی که از نگارنده توقع داشتند پرداختم. البته اگر حمایت‌های فکری، هنری، تبلیغاتی، مالی و از همه مهم‌تر روانی و احساسی دوستان نبود نگارنده هرگز در انجام این مهم موفقیتی به دست نمی‌آوردم.

بدیهی است وقتی در متن این کتاب به شرح مآوِقع می‌پردازم از همه کسانی که این گونه بی‌دریغ مرا یاری کردند تشکر خواهم کرد.

ما داشتیم ایام پرافتخاری را سپری می‌کردیم. چون وسط‌گود بودیم و در گرما گرم فعالیت، نمی‌دانستیم که کجائیم و چه می‌کنیم. نسل‌های آینده این کتاب را به عنوان یکی از اسناد تاریخ ادب و هنر ایران‌زمین با تمام وجود خود خواهند خواند و داوری خواهند کرد. ما داشتیم مراسم بزرگ‌داشتی به مناسبت گذشت یک‌صدسال از تولد صادق خان را برنامه‌ریزی و اجراء می‌کردیم. زیبایی و اصالت همه این برنامه‌ها در یک حقیقت خلاصه می‌شد که هرچه می‌کردیم حاصل کار خود مردم بود بدون آنکه پشتیبانی از این‌وآن طلب کمک کرده باشند. در کتاب حاضر شرح هر یک از برنامه‌ها و اقداماتی که در راستای یک‌صدمین سالگرد تولد صادق هدایت اجراء شد به تفصیل آمده و نام کلیه کسانی که در این امور مشارکت و معاضدت و فعالیت داشته‌اند نیز آمده است. این کمترین کاری بود که می‌توانستیم بکنیم. بدیهی است برنامه‌ها بر حسب تاریخ آمده‌اند و تا آن‌جا که مقدور بوده حتی جزئیات برنامه نگاشته شده و متن سخن‌رانی‌ها و مقالات و غیره نیز در این کتاب مندرج‌اند. امید است اقدامی، نامی یا برنامه‌ای را از قلم نینداخته باشم و چنانچه صاحب نظران در اصلاح یا تکمیل این کتاب مطالب مستدل و سازنده‌ای در اختیار دارند موجب تشکر است برای نگارنده ارسال دارند.

پنجاه و یک سال پیش، صادق هدایت در تنهایی در آپارتمان دورافتاده‌ای در پاریس به گاز پناه برد و خود را از بند زندگی سمج و مشقت بار خود رها ساخت. این خودکشی آخرین فریاد در برابر پاچه ورمالیده‌ها، رجاله‌ها، شالارتان‌ها، دزدها، فاسق‌ها، فاسدها، متظاهرها، لکاته‌ها، و پتیاره‌ها بود. عجیب آن‌که بالاخره این فریاد به

گوش همه رسید. این فریاد در زمانی نه چندان طولانی به بسیاری زبان‌های دنیا به گوش بیشتر مردم دنیا رسید. اگر قدری سکوت کنیم، به راستی سکوت کنیم و با گوش قلب خود به نواهای دوردست گوش دهیم امواج این فریاد هنوز فضا را می‌لرزاند.

عده‌ای خودکشی صادق هدایت را آخرین شاهکار او می‌دانند و آخرین فریاد او. به هر تقدیر اگر صادق هدایت در یک جای دیگری از این دنیای بزرگ تولد یافته بود، اگر آثارش را به زبان دیگری نوشته بود، اگر گرفتار این همه مظلومیت و اجحاف نمی‌شد، حال در این ایام یکصدمین سالگرد تولدش چه کنگره‌ها و سمینارها و بزرگداشت‌ها و همایش‌ها و... و.... برقرار بود.

او را یک بار دیگر به دنیائی که او را خوب می‌شناخت معرفی می‌کردند و از قبل شهرت او برای خود نیز کسب اعتبار بسیار می‌کردند. ما در ایران گونه دیگری با این ایام مواجه شدیم و به هر تقدیر اگر راستی سکوت کنیم و با گوش قلب خود به نواهای دوردست گوش دهیم این فریاد هنوز هم به گوش می‌رسد.....

جهانگیر هدایت